



Article Type: Research paper

# The Study of Anti-Terrorism Strategy of the Shanghai Cooperation Organization in the Framework of Regional Security Complex Theory

\*Ahmad Rashidi<sup>1</sup>, Peyman Namamian<sup>2</sup>

1. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Arak, Arak, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Arak, Arak, Iran

## Article Info.

Received: 04/08/2026

Accepted: 04/09/2026

Available Online: 10/29/2026

## Keywords:

Shanghai Cooperation Organization; Counter-terrorism; Extremism; Separatism; Security Cooperation; Regionalism & Regional Security Complex Theory.

## \* Corresponding Author:

Dr. Ahmad Rashidi

Address: Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Arak, Arak, Iran.

E-mail:

a-rashidi@araku.ac.ir

## Abstract

This article examines the Shanghai Cooperation Organization's (SCO) formation process, developments, and the approach to combating terrorism. The SCO Initially established with the aim of resolving border disputes and enhancing regional security among member states and then gradually evolved into a multifaceted institution with activities spanning security, economic, social, and cultural domains. However, the organization's primary focus remains on security cooperation, particularly in countering the threats posed by terrorism, extremism, and separatism. In this regard, the SCO's regional anti-terrorism framework plays a key role in coordinating security intelligence and conducting joint operations. This study, employing a descriptive-analytical approach and utilizing Buzan's "Regional Security Complex" theory, analyzes the SCO's anti-terrorism strategy. The findings indicate that the organization's current approach is primarily confrontational and operational, focusing on safeguarding the status quo of member states against separatism and extremism; however, preventive measures, addressing state-sponsored terrorism, and human rights considerations have not received sufficient attention. Furthermore, the research highlights the necessity of strengthening institutional and legal frameworks for effective counter-terrorism efforts. This article also provides recommendations for improving operational mechanisms and enhancing international cooperation in the fight against terrorism. Among these suggestions are the formulation of unified policies to combat common threats, the development of anti-terrorism capacities in member states, and the assurance of inevitable punishment for terrorist acts.

## How to Site:

Rashidi, A. & Namamian, P. (2026). The Anti-Terrorism Strategy of the Shanghai Cooperation Organization. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 8(2), 42-68.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

## بازشناسی راهبرد ضدتروریستی سازمان همکاری شانگهای در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای

\* احمد رشیدی<sup>۱</sup>، پیمان نمایان<sup>۲</sup>

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳ مرداد ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۳ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ انتشار: ۷ آبان ۱۴۰۵

### چکیده

این مقاله به بررسی روند شکل‌گیری، تحولات و رویکرد سازمان همکاری شانگهای در مبارزه با تروریسم می‌پردازد. سازمان مزبور که ابتدا با هدف حل اختلافات مرزی و ارتقای امنیت منطقه‌ای میان کشورهای عضو تأسیس شد، به تدریج به نهادی چندوجهی با فعالیت در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده است. با این حال، تمرکز اصلی سازمان همچنان بر همکاری‌های امنیتی، به ویژه مبارزه با تهدیدات تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی باقی مانده است. در این میان، ساختار منطقه‌ای ضدتروریستی این سازمان نقش کلیدی در هماهنگی اطلاعات امنیتی و اجرای عملیات‌های مشترک دارد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و استفاده از نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» باری بوزان به تحلیل رویکرد ضدتروریستی سازمان می‌پردازد و در این راستا به این سوال پاسخ می‌گوید که راهبرد سازمان همکاری شانگهای در مبارزه با تروریسم بر مبنای چه مولفه‌هایی قوام یافته است؟ با کاربست نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد راهبرد ضد تروریستی سازمان همکاری شانگهای دربرگیرنده مولفه‌های زیر است: صورتبندی الگوی دوستی و دشمنی در نظام بین الملل، شناسایی تهدیدهای مشترک، وابستگی متقابل امنیتی کشورها، ضرورت همکاری منطقه‌ای برای مقابله با تهدیدها، نقش هژمونیک قدرتهای چین و روسیه، توجه به ابعاد غیرنظامی امنیت (مفهوم چندبعدی امنیت) و تلاش برای ایجاد قواعد حقوقی و هنجارهای مشترک. با این وجود، عملکرد این سازمان عمدتاً مقابله‌ای بوده و بر حفظ حاکمیت دولت‌های عضو در برابر تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی تمرکز دارد و لذا در برنامه‌های سازمان به جنبه‌های پیشگیرانه و ملاحظات حقوق بشری توجه کافی نشده است.

### کلیدواژه‌ها:

سازمان همکاری شانگهای؛

تروریسم؛ افراط‌گرایی؛

تجزیه‌طلبی؛ وابستگی متقابل

امنیتی؛ منطقه‌گرایی؛ نظریه

مجموعه امنیتی منطقه‌ای.

### \* نویسنده مسئول:

دکتر احمد رشیدی

نشانی: دانشیار گروه علوم

سیاسی، دانشکده علوم اداری و

اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

پست الکترونیک:

a-rashidi@araku.ac.ir

### استناد به این مقاله:

رشیدی، احمد و نمایان، پیمان. (۱۴۰۵). بازشناسی راهبرد ضدتروریستی سازمان همکاری شانگهای در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۸(۲)، ۴۲-۶۸.

## ۱. مقدمه

آغاز روند شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای<sup>۱</sup> به مذاکرات چین و شوروی برای رسیدگی به اختلافات مرزی برمی‌گردد که با فروپاشی شوروی تبدیل به مذاکرات چندجانبه شد. این مذاکرات که با حضور سران پنج کشور چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شانگهای چین در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ شروع شده بود به گروه «شانگهای پنج» موسوم گردید. در ششمین اجلاس سران در ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای، ازبکستان رسماً به این گروه پیوست و بدین ترتیب سازمان همکاری شانگهای با تمرکز بر هدف مبارزه با تروریسم و همچنین مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکایا تأسیس شد (Koolaei, 2006: 37; Badii, Sharifi and Mirahmadi, 2014: 214). علاوه بر اعضای اصلی، ابتدا مغولستان در سال ۲۰۰۴ و یک سال بعد ایران، پاکستان، هند و افغانستان در سال ۲۰۰۵ و پس از آن بلاروس به عنوان عضو ناظر به این سازمان ملحق شدند. تقاضای عضویت هند و پاکستان در ۹ ژوئن ۲۰۱۷ در نشست آستانه به تصویب نهایی رسید. در سال ۲۰۰۸ متعاقب تقاضای ایران برای عضویت دایم در سازمان شانگهای، این سازمان اعلام کرد هر کشوری که تحت رژیم تحریم‌های سازمان ملل باشد نمی‌تواند در این سازمان عضویت دایم داشته باشد (Aghaei and Ghahramani, 2019: 303). با امضای برجام و لغو اجرای تحریم‌های ذیل فصل هفت منشور ملل متحد، این مانع برطرف شد و متعاقباً در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ در اجلاس سران سازمان در شهر دوشنبه، تقاضای عضویت ایران مورد موافقت اولیه قرار گرفت و در کمتر از دو سال در جریان اجلاس مجازی سران کشورهای عضو در ۴ ژوئیه ۲۰۲۳ در هند، عضویت رسمی ایران در این سازمان به تصویب نهایی رسید.

با توجه به وجود تهدیدات مشترک مانند تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی که از افغانستان و مناطق اطراف آن منشأ می‌گرفت، کشورهای عضو تصمیم به ایجاد یک پلتفرم منطقه‌ای برای همکاری‌های امنیتی گرفتند. با گذشت زمان، سازمان همکاری شانگهای به یک نهاد بین‌المللی با اهداف چندوجهی تبدیل شد که نه تنها در زمینه امنیت و مبارزه با تروریسم، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز همکاری‌هایی را آغاز کرد (Badii, Sharifi and Mirahmadi, 2014: 206). با این حال، فعالیت‌های سازمان در سطح سیاسی - امنیتی به‌ویژه مبارزه با تروریسم متمرکز بوده است؛ فعالیت‌هایی که هدف آن صرفاً همکاری است و نه ایجاد یک اتحادیه سیاسی و نظامی شبیه ناتو (Shafiee and Komaei Zadeh, 2011: 68). در این

1. Shanghai Cooperation Organization(SCO)

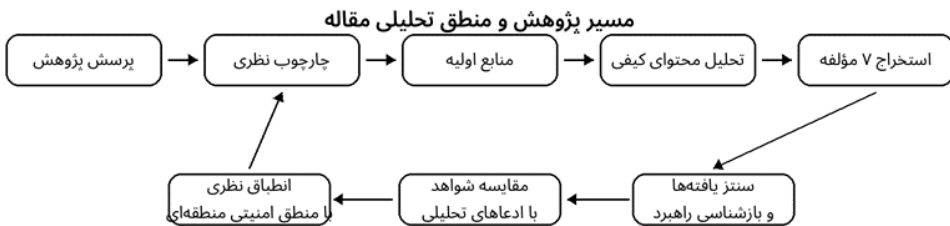
چارچوب، یکی از ابزارهای اصلی این سازمان برای مقابله با تهدیدات امنیتی، ساختار منطقه‌ای ضدتروریستی<sup>۲</sup> است که به تبادل اطلاعات امنیتی و هماهنگی عملیات‌های ضدتروریستی کمک می‌کند (Aris, 2009b: 45-48). در طول بیش از دو دهه گذشته، این سازمان موفق به اجرای برنامه‌های مختلف امنیتی و نظامی شده است که نمونه بارز آن برگزاری مانورهای نظامی مشترک بین کشورهای عضو بوده است. این مانورها و همکاری‌های نظامی به افزایش آمادگی و هماهنگی در مقابله با تهدیدات تروریستی کمک شایانی کرده‌اند (Weitz, 2011: 202-205).

با گذشت نزدیک به سه دهه از فعالیت سازمان شانگهای و تصویب و اجرای اسناد متنوع، بازشناسی رویکرد این سازمان در مبارزه با تروریسم به عنوان هدف محوری اعضای مؤسس، طی یک پروژه مطالعاتی امری ضروری است. مقاله حاضر در پاسخگویی به این ضرورت پژوهشی تنظیم شده است و به طور خاص به این سوال پاسخ می‌گوید که راهبرد ضد تروریستی سازمان همکاری شانگهای بر مبنای چه مولفه‌ای قوام یافته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سوال مطرح و در فرایند پژوهش مورد بررسی قرار گرفته عبارت از این است که راهبرد سازمان همکاری شانگهای در برگیرنده ضرورت همکاری‌های منطقه‌ای برای غلبه بر تهدیدات مشترک از طریق ایجاد سازوکارهای نهادی و حفظ حاکمیت دولت‌های عضو در برابر جدایی طلبی و افراط‌گرایی است. چارچوب نظری که پژوهش حاضر از آن سود می‌برد، نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» باری بوزان می‌باشد که در جای خود چگونگی کاربست آن توضیح داده شده است. این پژوهش دارای رویکرد توصیفی-تحلیلی است و در میان روش‌های تحقیق از روش تحلیل کیفی (از نوع تحلیل محتوای ساختاری) پیروی می‌کند؛ با این توضیح که با بررسی و مقایسه اسناد مصوب این سازمان برای مبارزه با تروریسم و با کمک گرفتن از پژوهش‌های انجام شده در این رابطه تلاش می‌شود رویکرد سازمان در خصوص مبارزه با تروریسم تبیین و چالش‌های اجرایی آن مورد شناسایی قرار گیرند.

برای تقویت بعد تحلیل اسنادی، در این پژوهش اسناد حقوقی و نهادی محوری سازمان همکاری شانگهای شامل منشور سازمان (۲۰۰۲)، کنوانسیون شانگهای درباره مبارزه با تروریسم، تجزیه طلبی و افراط‌گرایی (۲۰۰۱)، توافق‌نامه ایجاد ساختار منطقه‌ای ضدتروریستی (۲۰۰۲) و کنوانسیون سازمان همکاری شانگهای علیه تروریسم (۲۰۰۹) به عنوان منابع اولیه

## 2. RATS

مورد استفاده قرار گرفته‌اند. واحد تحلیل، گزاره‌ها و احکام صریح این اسناد درباره تهدیدات مشترک، همکاری، حاکمیت، سازوکارهای نهادی و قواعد حقوقی است؛ سپس این گزاره‌ها با هفت مؤلفه استخراج‌شده از چارچوب نظری تطبیق داده شده‌اند.



پرسش □ چارچوب نظری □ اسناد اولیه □ تحلیل و کدگذاری □ انطباق نظری □ سنتز یافته‌ها

## ۲. پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهش درباره سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد: نخست، مطالعاتی که به تبیین شکل‌گیری، تحول نهادی و جایگاه سازمان در نظم امنیتی اوراسیا پرداخته‌اند؛ دوم، آثاری که سازمان را از منظر نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای و وابستگی متقابل امنیتی بررسی کرده‌اند؛ سوم، پژوهش‌هایی که به‌طور مشخص بر همکاری ضدتروریستی، ساختار منطقه‌ای ضدتروریستی<sup>۳</sup> و چارچوب حقوقی سازمان تمرکز دارند؛ و در نهایت، مطالعات جدیدی که اثربخشی اقدامات ضدتروریستی سازمان و چالش‌های ناشی از گسترش عضویت و تحولات افغانستان را بررسی کرده‌اند.

در دسته نخست، آقایی (Aghaei, 2023) در کتاب «نقش و جایگاه سازمان همکاری شانگهای» به بررسی تاریخچه تأسیس، ساختار، عملکرد و جایگاه سازمان در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته و بر نقش همکاری‌های امنیتی و نظامی آن در تقویت ثبات آسیای مرکزی تأکید می‌کند. کولایی (Koolaei, 2006) نیز با تمرکز بر امنیت آسیای مرکزی، استدلال می‌کند که مسائل امنیتی - نظامی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت سازمان محسوب می‌شوند و سازمان در شکل‌دهی به ترتیبات امنیتی منطقه نقش مهمی ایفا کرده است. در مقابل،

### 3. Regional Anti-Terrorist Structure (RATS)

قافله‌باشی (Ghafeleh-Bashi, 2019) بر محدودیت‌های ناشی از گسترش جغرافیایی سازمان و تعمیق نیافتن همکاری‌ها تأکید کرده و اختلافات میان چین و روسیه و نیز مناقشات هند و پاکستان را از عوامل مهم واگرایی درون سازمان می‌داند. درج (Dorj, 2025) جایگاه این سازمان در پیشبرد سیاست نفوذ استراتژیک چین را مورد مطالعه قرار داده است. از سوی دیگر، صفوی و جعفری نور (Safavi & Jafari Noor, 2022) پیامدهای عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای بر موازنه قوا با ایالات متحده آمریکا را مورد بررسی قرار داده‌اند. این دسته از مطالعات، در مجموع، تصویری از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های نهادی و ژئوپلیتیکی سازمان ارائه می‌کنند، اما غالباً مبارزه با تروریسم را به عنوان یکی از حوزه‌های فعالیت سازمان بررسی کرده و کمتر به بازسازی عناصر تشکیل دهنده یک «راهبرد ضد تروریستی» در چارچوب نظری مشخص پرداخته‌اند.

مطالعات دیگری بر نقش قدرت‌های بزرگ و کارکرد ژئوپلیتیکی سازمان متمرکز شده‌اند. آقایی و قهرمانی (Aghaei & Ghahramani, 2019) با بررسی سیاست چین نسبت به سازمان همکاری شانگهای، بر استفاده پکن از ظرفیت‌های سازمان برای پیگیری اهداف اقتصادی، منطقه‌ای و راهبردی، به ویژه در پیوند با ابتکار کمربند - جاده، تأکید می‌کنند و از تفاوت نسبی رویکرد چین و روسیه نسبت به اولویت‌های سازمان سخن می‌گویند. شفیی و کمائی زاده (Shafiee & Komaei Zadeh, 2011) نیز سازمان همکاری شانگهای را در متن رقابت چین و ایالات متحده و در چارچوب موازنه نرم بررسی کرده‌اند و بر ظرفیت سازمان برای محدود کردن نفوذ ایالات متحده در محیط اوراسیایی تأکید دارند. در همین راستا، یوان (Yuan, 2023) تحول سازمان همکاری شانگهای را از یک سازوکار منطقه‌ای اولیه به یک نهاد مؤثر در حکمرانی منطقه‌ای بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که چین از ظرفیت نهادی سازمان برای پیشبرد منافع ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک خود، در عین حفظ همکاری با روسیه و سایر اعضا، بهره گرفته است. این مطالعات برای فهم مؤلفه ژئوپلیتیکی راهبرد سازمان اهمیت دارند، اما تمرکز اصلی آنها بر رقابت قدرت‌ها و نظم منطقه‌ای است و نه بر چگونگی تبدیل این شرایط به یک راهبرد منسجم ضد تروریستی.

از منظر نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، مقاله کایا (Kaya, 2019) از مطالعات مهمی است که رابطه میان سازمان همکاری شانگهای و مجموعه امنیتی منطقه‌ای آسیای مرکزی را به طور مستقیم بررسی می‌کند. وی استدلال می‌کند که سازمان از دل وابستگی متقابل امنیتی میان

کشورهای آسیای مرکزی شکل گرفته و بستری برای نهادینه شدن پویایی‌های امنیتی منطقه‌ای فراهم کرده است؛ در عین حال، حضور و نفوذ چین و روسیه موجب شده است مجموعه امنیتی آسیای مرکزی واجد ویژگی‌های یک مجموعه امنیتی متأثر از قدرت‌های بزرگ باشد. اهمیت این مطالعه برای پژوهش حاضر در آن است که پیوند میان جغرافیا، وابستگی متقابل امنیتی، نقش قدرت‌های بزرگ و نهادسازی منطقه‌ای را آشکار می‌کند؛ با این حال، تحلیل آن به صورت خاص به بازشناسی مؤلفه‌های راهبرد ضدتروریستی سازمان و ارتباط آنها با اسناد و سازوکارهای حقوقی ضدتروریسم نمی‌پردازد. افزون بر این، یانداش (Yandaş, 2005) در مطالعه‌ای بر پایه نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، تحول امنیت در آسیای مرکزی و نقش سازمان همکاری شانگهای را پس از ۱۱ سپتامبر بررسی کرده و نشان می‌دهد که مسائل امنیتی منطقه، به ویژه تروریسم، با یکدیگر پیوند خورده‌اند و نمی‌توان آنها را مستقل از روابط امنیتی میان کشورهای منطقه مطالعه کرد. این مطالعه از حیث پیوند میان نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای و مسئله تروریسم اهمیت دارد، اما به دوره‌ای باز می‌گردد که ساختار نهادی و دامنه عضویت سازمان هنوز با وضعیت کنونی آن فاصله قابل توجهی داشت.

در محور مطالعات اختصاصی مبارزه با تروریسم، شیائودونگ (Xhiao Dong, 2012) با بررسی اهداف و سازوکارهای همکاری ضدتروریستی سازمان، بر نقش ساختار منطقه‌ای ضدتروریستی در تبادل اطلاعات، هماهنگی اقدامات و برگزاری عملیات و تمرین‌های مشترک تأکید می‌کند. راتوشنیاک و سوکول (Ratushnyak & Sokol, 2019) نیز روند تحول همکاری ضدتروریستی سازمان را بررسی کرده و نشان می‌دهند که این همکاری از طریق ایجاد چارچوب حقوقی، توسعه سازوکارهای نهادی و برگزاری تمرین‌های مشترک به تدریج نهادینه شده است. به باور آنان، کنوانسیون‌های ضدتروریستی و ایجاد ساختار منطقه‌ای ضد تروریستی، بستر اصلی این تحول نهادی را فراهم کرده‌اند.

از سوی دیگر، والاس (Wallace, 2014) با رویکردی سازمانی به بررسی ساختار منطقه‌ای ضد تروریستی پرداخته است. او نشان می‌دهد که اگرچه این ساختار از نظر رسمی مسئولیت‌های گسترده‌ای در حوزه امنیت و مبارزه با تروریسم دارد، اما محدودیت منابع انسانی و بودجه‌ای و ظرفیت اداری آن، توان اجرایی این نهاد را محدود کرده است. بنابراین، میان دامنه مأموریت رسمی ساختار منطقه‌ای ضد تروریستی و ظرفیت واقعی آن برای اجرای این مأموریت فاصله وجود دارد. این یافته برای پژوهش حاضر از آن جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد

ارزیابی راهبرد ضدتروریستی سازمان تنها با مطالعه اهداف و اسناد رسمی کامل نمی شود و باید ظرفیت های اجرایی آن را نیز مورد توجه قرار داد.

در مطالعات جدیدتر، می (Mei, 2024) همکاری ضدتروریستی سازمان همکاری شانگهای را بررسی کرده و ضمن تأکید بر تداوم تمرکز سازمان بر مبارزه با تروریسم، به چالش هایی اشاره می کند که از گسترش سازمان و اختلافات میان اعضا و نیز تفاوت در برداشت از مفاهیم امنیتی ناشی می شوند. ژائو، ونگ و ژان (Zhao, Wang & Zhan, 2024) از منظری متفاوت، اثربخشی همکاری ضدتروریستی سازمان را به صورت تجربی آزمون کرده اند. یافته های آنان نشان می دهد که پس از راه اندازی رسمی ساختار منطقه ای ضد تروریستی، فعالیت های تروریستی در کشورهای عضو در مقایسه با کشورهای دیگر در مسیر کمربند - جاده کاهش معناداری داشته و تعداد تلفات ناشی از این فعالیت ها نیز کاهش یافته است. این مطالعه از این جهت اهمیت دارد که برخلاف بخش قابل توجهی از ادبیات توصیفی، تلاش می کند آثار همکاری سازمان را با یک روش کمی مورد سنجش قرار دهد.

همچنین، متعاقب بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان، حوزه جدیدی را در مطالعات مرتبط با سازمان همکاری شانگهای ایجاد شده است. در این میان اتید و اولّا (Ateed & Ul-lah, 2025) با استفاده از نظریه مجموعه امنیتی بوزان و مفهوم منطقه گرایی نسل سوم، نشان می دهند که بی ثباتی افغانستان در پیوند با مجموعه امنیتی آسیای مرکزی قرار دارد و همین امر اعضای سازمان را به نوعی تعامل امنیتی عمل گرایانه با طالبان سوق داده است. با این حال، آنان تصریح می کنند که همکاری امنیتی لزوماً به همگرایی سیاسی یا اقتصادی منجر نمی شود و در مورد افغانستان می توان از نوعی هم راستایی محدود و مشروط سخن گفت

در یک مطالعه بسیار جدیدتر، مک هافی (MacHaffie, 2026) نیز سازمان همکاری شانگهای را در متن رقابت های فزاینده قدرت های بزرگ و نظم چندقطبی اوراسیا بررسی کرده است. وی ضمن تأکید بر نقش چین و روسیه در هدایت سازمان، نشان می دهد که مناقشات و رقابت های درون سازمان، به ویژه میان چین، هند و پاکستان و نیز رقابت های چین و روسیه، می تواند مانعی در برابر تعمیق همکاری های امنیتی باشد. این یافته اهمیت بررسی همزمان مؤلفه های همگرایی امنیتی و نیروهای واگرا را در تحلیل راهبرد سازمان نشان می دهد.

مرور مجموع این آثار نشان می دهد که ادبیات موجود، ابعاد مهمی از سازمان همکاری

شانگهای را پوشش داده است: برخی مطالعات بر جایگاه امنیتی و ژئوپلیتیکی سازمان، برخی بر نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، برخی بر ساختار منطقه ای ضد تروریستی و همکاری عملیاتی ضد تروریستی، و برخی دیگر بر اثربخشی تجربی این همکاری یا تحولات افغانستان تمرکز کرده‌اند. با این حال، میان این حوزه‌های مطالعاتی خلاء پژوهشی قابل مشاهده است. نخست، بخش مهمی از پژوهش‌ها یا بر عملکرد کلی سازمان تمرکز دارند یا یک سازوکار خاص مانند ساختار منطقه ای ضد تروریستی را مطالعه می‌کنند و کمتر تلاش کرده‌اند عناصر تشکیل‌دهنده راهبرد ضد تروریستی سازمان را در قالب مجموعه‌ای منسجم از مؤلفه‌های نظری و تجربی بازسازی کنند. دوم، در بخش قابل توجهی از ادبیات، ارتباط میان مفاهیم نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای — از جمله تهدیدهای مشترک، وابستگی متقابل امنیتی، نقش قدرت‌های بزرگ، امنیت چندبعدی و الگوهای دوستی و دشمنی — و اسناد و نهادهای مشخص ضد تروریستی سازمان به صورت نظام‌مند بررسی نشده است. سوم، برخی مطالعات جدید اگرچه اثربخشی یا تحولات ژئوپلیتیکی سازمان را بررسی کرده‌اند، به چگونگی تبدیل درک مشترک از تهدیدهای فراملی به قواعد حقوقی، سازوکارهای نهادی و اقدامات عملی نپرداخته‌اند.

از این رو، پژوهش حاضر درصدد است با کاربست نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای و استفاده از روش تحلیل محتوای ساختاری، از سطح توصیف عملکرد سازمان فراتر رفته و مؤلفه‌های اصلی راهبرد ضد تروریستی سازمان همکاری شانگهای را بازنمایی و میان آنها پیوند برقرار کند. نوآوری اصلی پژوهش در این است که «راهبرد ضد تروریستی» سازمان را نه یک مجموعه اقدامات منفرد، بلکه بر ساخته‌ای چندسطحی از ادراک مشترک تهدید، وابستگی متقابل امنیتی، همکاری منطقه‌ای، نقش قدرت‌های بزرگ، امنیت چندبعدی و نهادسازی حقوقی در نظر می‌گیرد و این مؤلفه‌ها را با شواهد موجود در اسناد سازمان و سازوکارهای ضد تروریستی آن پیوند می‌دهد. از این منظر، مقاله حاضر می‌کوشد خلأ میان مطالعات نظری درباره مجموعه امنیتی منطقه‌ای و مطالعات تجربی درباره همکاری ضد تروریستی سازمان همکاری شانگهای را پر کرده و تصویری منسجم‌تر از منطق امنیتی حاکم بر این همکاری ارائه دهد.

### ۳. چارچوب نظری

تروریسم پدیده‌ای فراملی است؛ به این معنا که خاستگاه، سازماندهی و عملیات آن اغلب محدود به درون مرزهای یک کشور نمی‌شود و تهدیدی است که همزمان می‌تواند چندین

کشور را درگیر کند. لذا مبارزه با این تهدید نیازمند همکاری کشورهاست. چنانکه گفتیم، هدف اولیه سازمان همکاری شانگهای و تمرکز فعالیت‌های آن، همکاری کشورهای عضو برای مبارزه با تهدیدات مشترک از جمله «تروریسم» بوده است. این تهدیدات عمدتاً از افغانستان و مناطق اطراف آن منشأ می‌گرفتند و لذا ضرورت ایجاد یک پلتفرم منطقه‌ای برای هماهنگی و همکاری در مبارزه با این تهدیدات احساس می‌شد (Aris, 2009b: 45-48). بر این پایه، به نظر می‌رسد نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای<sup>۴</sup> که توسط باری بوزان توسعه یافته است، چارچوب نظری مناسبی برای تبیین علل شکل‌گیری، درک پویایی‌های درونی و تحلیل راهبرد سازمان همکاری شانگهای در مبارزه با تروریسم فراهم می‌کند. این نظریه بر این ایده استوار است که مقوله امنیت را نمی‌توان به‌طور مستقل برای هر کشور بررسی کرد، بلکه باید آن را به عنوان یک پدیده منطقه‌ای در نظر گرفت که تحت تأثیر تعاملات میان کشورها شکل می‌گیرد (Bu-zan and Wæver, 2022: 25-30). بوزان، وجود تهدیدات امنیتی مشترک را مبنای همگرایی کشورها در یک منطقه در نظر می‌گیرد و بر این پایه نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» را مطرح کرده است. به باور وی، مجموعه امنیتی شامل گروهی از دولتهاست که امنیت آنها تا اندازه زیادی به یکدیگر گره خورده است و لذا امنیت ملی آنها را بصورت منطقی نمی‌توان جدای از یکدیگر مورد رسیدگی قرار داد. او در تعریف مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌نویسد «مجموعه‌ای از واحدها که در آنها فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن یا هر دوی آنها به اندازه‌ای درهم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی نمی‌تواند جدای از یکدیگر تحلیل یا حل و فصل شوند» (Buzan and Wæver, 2022: 55).

به عبارت دیگر، به نظر بوزان امنیت کشورها به شدت با امنیت منطقه‌ای که در آن قرار دارند، مرتبط است. برای اینکه گروهی از دولتها ماهیت مجموعه امنیتی منطقه‌ای داشته باشند، لازم است از نظر امنیتی تا آن اندازه وابستگی متقابل داشته باشند که برای تبدیل آنها به مجموعه مستقل و در همان حال مجزا از مناطق امنیتی پیرامون کفایت کند. ایده اصلی این نظریه این است که چون انتقال تهدیدها در فاصله‌های کوتاه‌تر به مراتب راحت‌تر از انتقال آن در فاصله‌های طولانی‌تر است، لذا وابستگی متقابل امنیتی به شکل طبیعی به الگوی دسته‌بندی‌های منطقه‌ای مجموعه‌های امنیتی تبدیل می‌شود (Karami and Azizi, 2013: 138). لازم به ذکر است که بوزان امنیت را مقوله‌ای چند بعدی در نظر می‌گیرد. به نظر

#### 4. Regional Security Complex Theory

وی امنیت فراتر از بعد نظامی، دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نیز می باشد.

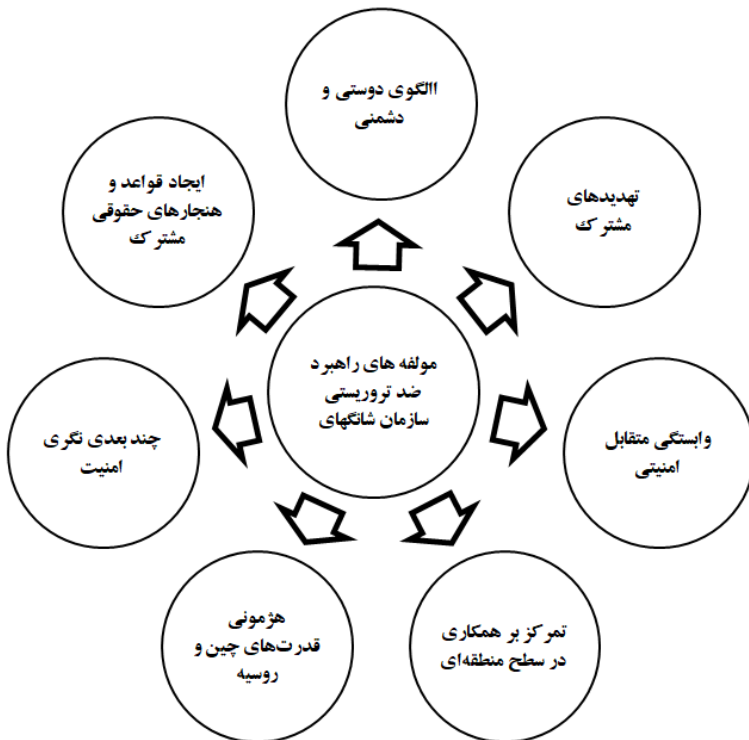
اگر سازمان همکاری شانگهای را به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای در نظر بگیریم، نظریه بوزان به ما کمک می کند تا درک جامع تری از عملکرد سازمان همکاری شانگهای در مبارزه با تروریسم داشته باشیم و پویایی های امنیتی منطقه را بهتر تحلیل کنیم. این نظریه می تواند به خوبی توضیح دهد که چرا کشورهای عضو این سازمان با همکاری و تبادل اطلاعات امنیتی سعی در مقابله با تهدیدات تروریستی دارند. یکی از مهمترین ابزارهای سازمان همکاری شانگهای برای مقابله با تهدیدات امنیتی، ساختار منطقه ای ضدتروریستی است که به تبادل اطلاعات امنیتی، هماهنگی عملیات های ضدتروریستی و توسعه توانمندی های ضدتروریستی بین کشورهای عضو کمک می کند. این همکاری ها به تقویت امنیت منطقه ای و کاهش تهدیدات مشترک کمک کرده و به ارتقای امنیت بین المللی نیز منجر می شود (Weitz, 2011: 202-205).

علاوه بر این، نظریه مجموعه امنیتی بوزان این امکان را به ما می دهد که تأکید کنیم کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای باید تعاملات امنیتی خود را از مسیر تقویت اعتماد متقابل توسعه دهند. این موضوع به ویژه در مورد مبارزه با تروریسم اهمیت بالایی دارد؛ زیرا بی اعتمادی و عدم هماهنگی می تواند منجر به ضعف در اجرای سیاست ها و عملیات های ضدتروریستی شود. بنابراین، تقویت همکاری های امنیتی و تبادل اطلاعات می تواند به بهبود کارایی مبارزه با تروریسم در چارچوب سازمان همکاری شانگهای کمک کند.

بوزان، نظریه مجموعه امنیت منطقه ای را تلفیقی از نظریه های نئورئالیستی و سازه انگاری معرفی کرده است (Buzan and Wæver, 2022: 52). ابعاد سازه انگارانه این نظریه ضرورت تداوم گفتگوها در میان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای برای افزایش اعتماد متقابل و ایجاد درک مشترک از تهدیدات امنیتی غیرمتعارف از جمله تروریسم، افراط گرایی و قاچاق مواد مخدر را روشن می سازد. این امر می تواند به رفع اختلافات در تعاریف و ایجاد قواعد حقوقی و هنجارهای مشترک در مبارزه با تروریسم در میان کشورهای عضو منتهی شود و از این رهگذر زمینه را برای همکاری های مؤثرتر فراهم سازد.

با کاربست نظریه مجموعه امنیتی، مولفه های راهبرد ضد تروریستی سازمان همکاری

شانگهای را می توان در قالب مدل مفهومی زیر توضیح داد:



مدل مفهومی راهبرد ضد تروریستی سازمان همکاری شانگهای بر اساس نظریه مجموعه امنیتی

#### ۴. مؤلفه های راهبرد ضد تروریستی سازمان همکاری شانگهای

##### ۴-۱. الگوهای دوستی و دشمنی:

در مقدمه و ماده ۱ کنوانسیون شانگهای ۲۰۰۱، تروریسم، تجزیه طلبی و افراط گرایی تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی، تمامیت ارضی و ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اعضا معرفی شده اند؛ همچنین در ماده ۱، هر سه مفهوم به صورت حقوقی تعریف شده اند. در نتیجه، می توان گفت مرزبندی «ما/آنها» در این مؤلفه پیش از آنکه صرفاً از استدلال نظری اخذ شود، در ادبیات حقوقی مشترک سازمان نیز بازتاب یافته است. در این چارچوب، راهبرد ضد تروریسم در سازمان

همکاری شانگهای را می‌توان بر پایه سه ستون اصلی درک کرد: چارچوب سازه‌انگارانه، بنیان حقوقی - نهادی و ملاحظات ژئوپلیتیکی. ترکیب این سطوح گوناگون نشان می‌دهد که مبارزه با تروریسم در سازمان همکاری شانگهای به‌طور صرف یک همکاری عملیاتی محدود نیست، بلکه ابزار شکل‌دهی به الگوی امنیت جمعی، تثبیت نظم منطقه‌ای و تعیین مرزهای تعامل و تقابل در گستره اوراسیا است.

در رویکرد سازه‌انگارانه تهدید امنیتی، امری برآمده از ادراک مشترک دولت‌ها است و نه صرفاً یک واقعیت عینی و ثابت. زمانی که دولت‌ها تفسیر مشابهی از خطر داشته باشند، به تدریج در قالب «مجموعه امنیتی» قرار می‌گیرند (Jones & Hameiri, 2015: 37). در سازمان همکاری شانگهای نیز طی دو دهه گذشته، برداشت مشترکی از سه تهدید بنیادین - تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی - پدید آمده است. پیامد این همگرایی ادراکی، ایجاد نوعی پیوستگی امنیتی است که امنیت یک عضو را ناگزیر به امنیت سایر اعضا گره می‌زند. در چنین چارچوبی، اعتماد امنیتی افزایش یافته و بازیگران تهدیدزا - اعم از گروه‌های مسلح منطقه‌ای یا برخی قدرت‌های فراملی - در جایگاه «دیگریِ محل امنیتی» تعریف می‌شوند (Aris, 2009a: 469). بدین ترتیب، مبارزه با تروریسم به ابزاری برای ساخت هویت امنیتی مشترک و تعیین حدود دوستی و دشمنی بدل می‌شود. مقررات مشترک مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی و نیز ایجاد نهادهایی چون «ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم» نشان‌دهنده این امر است (Karami, 2023: 552). ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم وظایف مهمی همچون هماهنگی اطلاعاتی، تدوین فهرست واحد گروه‌های تروریستی، پشتیبانی حقوقی و قضایی، تبادل اسناد و سازمان‌دهی رزمایش‌های مشترک را بر عهده دارد. چنین سازوکاری، همکاری امنیتی را از سطح تبادل نظر به مرحله نظام‌مند و پایدار ارتقا می‌دهد. علاوه بر این، روند همگرایی میان اعضا در حوزه‌هایی مانند استرداد متهمان و همکاری قضایی موجب تقویت اعتماد و تثبیت برداشت مشترک از تهدیدات می‌شود (Tsybulenko & Platonova, 2022: 249).

راهبرد ضدتروریسم سازمان همکاری شانگهای در فضایی از رقابت قدرت‌ها و تغییر موازنه امنیتی در اوراسیا شکل می‌گیرد. کاهش نقش امنیتی غرب در منطقه، به‌ویژه پس از خروج آمریکا از افغانستان و کاهش حضور آن در آسیای مرکزی، موجب شده قدرت‌های منطقه‌ای به‌سوی ایجاد معماری امنیتی مستقل حرکت کنند. در این چارچوب، سازمان همکاری شانگهای از یک مجمع مشورتی به یکی از ارکان مرکزی نظم امنیتی منطقه‌ای ارتقا یافته است. چین و

روسیه ستون اصلی این ساختار را تشکیل می‌دهند و کشورهای آسیای مرکزی نیز به دلیل تهدیدهای مشترک، آن را بستر اصلی همکاری امنیتی تلقی می‌کنند (Karami, 2024: 50). گسترش عضویت با پیوستن کشورهای چین، هند، پاکستان و ایران نیز دامنه این مجموعه امنیتی را وسیع‌تر کرده است. در این محیط ژئوپلیتیکی، گروه‌هایی همچون داعش، القاعده و جریان‌های تجزیه طلب به عنوان دیگری دشمن معرفی می‌شوند که نظم منطقه‌ای را تهدید می‌کنند (Mako & Moghadam, 2021: 196). با این همه، راهبرد ضد تروریسم سازمان همکاری شانگهای، صرفاً واکنشی تاکتیکی به تهدیدات نیست؛ بلکه یکی از ارکان فرآیند نظم‌سازی در اوراسیا به شمار می‌رود. به طور خلاصه، سازمان همکاری شانگهای از رهگذر شکل‌دهی به الگوی دوستی و دشمنی با تکیه بر واقعیت‌های ژئوپلیتیکی، جایگاه این سازمان را در معماری امنیتی آینده منطقه تحکیم می‌بخشد.

#### ۴-۲. تهدیدات مشترک

منشور سازمان در ماده ۱، بند مربوط به اهداف و وظایف، «مبارزه مشترک با تروریسم، تجزیه طلبی و افراط‌گرایی» را در کنار جرایم فراملی قرار می‌دهد؛ کنوانسیون ۲۰۰۱ نیز در ماده ۲ (بندهای ۱ و ۲) همکاری اعضا برای پیشگیری، شناسایی، سرکوب و استرداد مرتکبان اعمال مندرج در ماده ۱ را مقرر می‌کند. این دو حکم، مفهوم تهدید مشترک را از سطح ادعا به یک تعهد حقوقی-نهادی ملموس تبدیل می‌کند. دولت‌های عضو سازمان از ابتدا بر این اصل پایبند بوده‌اند که امنیت آسیای مرکزی در قالب شبکه‌ای وابسته و تأثیرپذیر از محیط پیرامونی معنا پیدا می‌کند؛ زیرا تهدیدات عمده به‌ویژه تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه طلبی، چنان درهم تنیده‌اند که مدیریت آن‌ها مستلزم کنش جمعی است. این فهم مشترک که با بنیان‌های نظریه «مجموعه امنیتی» همخوانی دارد، پایه‌ای برای شکل‌گیری الگوی همکاری امنیتی سازمان و تمرکز آن بر «سه شر تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی-طلبی» فراهم کرده است. (Aris, 2009a: 469). در پرتو برداشت نزدیک اعضا از ماهیت تهدید، تعاریف نسبتاً سازگار از مفاهیمی چون تروریسم و افراط‌گرایی در اسناد داخلی و توافقی‌های چندجانبه وارد شده و به بازتنظیم قوانین ملی با محوریت مقابله با این پدیده‌ها انجامیده است. حاصل این فرآیند، ایجاد سازوکاری درون‌زا برای همکاری در زمینه‌های تبادل داده‌های امنیتی، تعقیب قضایی فرامرزی و هماهنگی در رسیدگی‌های کیفری است؛ سازوکاری که نه بر فشارهای خارجی، بلکه بر اراده مشترک دولت‌های منطقه تکیه دارد.

در بُعد ژئوپلیتیکی، کاهش وزن نقش آفرینی غرب در آسیای مرکزی و افزایش نفوذ چین و روسیه شرایطی را فراهم کرده که سازمان بتواند به تدریج الگوی امنیتی ویژه خود را تثبیت کند. رزمایش‌های مشترک، اقدام‌های عملیاتی هماهنگ و شبکه‌های اطلاعاتی یکپارچه، علاوه بر ارتقای توان دفاعی و امنیتی اعضا، نوعی هویت امنیتی مشترک ایجاد می‌کند که ظرفیت هم‌گرایی را افزایش می‌دهد. در این فرآیند، دولت‌های آسیای مرکزی نیز از امکان مانور بین دو قدرت عمده بهره‌مند شده و توانسته‌اند موازنه‌سازی هوشمندانه‌تری را در دستور کار قرار دهند (Mumtaz, Cheema & Khalid, 2025: 164-165).

با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌های سیاسی و حقوقی قابل اعتنایی نیز وجود دارد. بهره‌گیری گسترده و مبهم از مفاهیم افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی، در برخی کشورها زمینه‌ساز تحدید آزادی‌های سیاسی و مدنی شده است. به‌عنوان نمونه، در ۲۳ ژوئن ۲۰۰۴، شماری از بازرگانان محلی در ازبکستان، بازداشت و با اتهاماتی نظیر «افراط‌گرایی، بنیادگرایی و تجزیه‌طلبی» مورد محاکمه قرار گرفتند. افزون بر این، فقدان سازوکار نظارتی مستقل درون سازمان، نگرانی‌ها در خصوص امکان سوءاستفاده از برجسب‌های امنیتی و سیاسی‌شدن مفهوم تروریسم را تشدید می‌کند. در نتیجه، تمرکز سازمان بیش از آنکه بر امنیت انسانی باشد، بر امنیت دولتی استوار است و موضوعاتی همچون شفافیت، رعایت اصول دادرسی عادلانه و تضمین حقوق بنیادین در اسناد رسمی کم‌رنگ باقی مانده است.

#### ۴-۳. وابستگی متقابل امنیتی

ماده ۳ منشور سازمان همکاری شانگهای، حفظ صلح و ارتقای امنیت و اعتماد در منطقه را در کنار اتخاذ تدابیر مشترک علیه تروریسم، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی از حوزه‌های اصلی همکاری اعلام می‌کند. افزون بر آن، ماده ۶ کنوانسیون ۲۰۰۱، تبادل اطلاعات، اجرای درخواست‌های عملیاتی و اتخاذ تدابیر هماهنگ را میان مراجع صلاحیت‌دار طرف‌ها پیش‌بینی کرده است. بر پایه اصلاحیه پروتکل‌های ۵ سپتامبر ۲۰۰۳، در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶، چارچوب همکاری این سازمان مبتنی بر اصل «وابستگی متقابل امنیتی» است (Butt, Hashmi & Saleem, 2024: 2469)؛ به این معنا که امنیت هر عضو سازمان با امنیت دیگر کشورها مرتبط است و تبادل اطلاعات، هماهنگی مرزی و اقدامات مشترک را ضروری می‌سازد. این رویکرد، زمینه همکاری ضدتروریستی منطقه‌ای را فراهم می‌کند و امکان اجرای اقدامات عملی مشترک را بدون نقض

حاکمیت ملی اعضا ایجاد می‌نماید. به بیان دیگر، سازمان همکاری شانگهای ضمن حفظ استقلال اعضا، اجرای تصمیمات جمعی را بر اساس توافق داوطلبانه و احترام به اصل عدم مداخله دنبال می‌کند (Ward, 2015: 173).

از منظر سیاسی-امنیتی، مفهوم وابستگی متقابل امنیتی به عنوان ابزاری راهبردی عمل می‌کند؛ همانگونه که «باری بوزان»، استدلال کرده است، تهدید علیه یک کشور می‌تواند امنیت سایر اعضا را نیز تحت تأثیر قرار دهد و انگیزه‌ای برای همکاری منطقه‌ای ایجاد کند (Amable, 2022: 7). در چارچوب سازمان همکاری شانگهای، این وابستگی از طریق اقدامات مشترک علیه تروریسم، افراط‌گرایی و جرایم سازمان‌یافته عملی می‌شود و سازمان را به ابزاری برای تقویت امنیت جمعی تبدیل می‌کند. وابستگی متقابل امنیتی به اعضا امکان می‌دهد بدون اتکا صرف به توان نظامی یک کشور، تهدیدات فراملی را مدیریت کنند و نظم منطقه‌ای جدیدی مبتنی بر همکاری جمعی و هویت امنیتی مشترک ایجاد نمایند.

#### ۴-۴. تمرکز بر همکاری در سطح منطقه‌ای

توافق‌نامه ایجاد ساختار منطقه‌ای ضد تروریستی، در ماده ۳، ساختار منطقه‌ای ضد تروریستی را «نهاد دائمی» سازمان برای کمک به هماهنگی و همکاری دستگاه‌های صلاحیت‌دار اعضا معرفی می‌کند؛ ماده ۶ همان توافق‌نامه نیز جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، ایجاد پایگاه داده، کمک به رزمایش‌ها و فعالیت‌های عملیاتی و جست‌وجوی بین‌المللی افراد را از وظایف آن می‌داند. این اسناد نشان می‌دهد همکاری در سطح منطقه‌ای به سازوکار نهادی پایدار در سازمان همکاری شانگهای تبدیل شده است.

بطور ویژه نظریه مجموعه امنیتی بر این اصل تأکید دارد که مجاورت جغرافیایی کشورها و وجود تهدیدات مشترک زمینه‌ساز شکل‌گیری نهادهای امنیتی منطقه‌ای است. در این چارچوب می‌توان استدلال کرد درک تهدیدات مشترک ناشی تروریسم، افراط‌گرایی و جرایم فراملی در کشورهایی که در مجاورت جغرافیایی با آسیای میانه قرار دارند محرک همکاری‌های امنیتی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای می‌باشد. در این راستا، سازمان با تأکید بر امنیت جمعی تلاش می‌کند چارچوب‌ها و استانداردهایی برای مقابله با تهدیدات فراملی ایجاد کند و آن‌ها را در ساختار نظم نوین منطقه‌ای جای دهد (Yuan, 2023: 435). این رویکرد نشان می‌دهد که امنیت دیگر محدود به مرزهای ملی نیست و مقابله با تهدیدات فراملی مستلزم

همکاری گسترده میان کشورهای یک منطقه است.

نزدیکی جغرافیایی اعضا علاوه بر ضرورت همکاری، امکان تبادل اطلاعات و هماهنگی قضایی را تسهیل می‌کند و تضمین می‌کند که اقدامات امنیتی در چارچوب قوانین داخلی و بین‌المللی انجام شود (Tsybulenko & Platonova, 2022: 252). تحلیل جغرافیایی امنیت ضرورت همکاری ضدتروریستی بر اساس اشتراک تهدیدات و نزدیکی اعضا را برجسته می‌کند و رویکرد راهبردی به نظم منطقه‌ای، اهمیت امنیت جمعی و نقش چین و روسیه در تثبیت نظم منطقه‌ای را نمایان می‌سازد.

#### ۴-۵. هژمونی قدرت‌های بزرگ: چین و روسیه

مبنای همکاری‌های شانگهای در مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی، مجموعه‌ای از معاهدات و توافقنامه‌های بین‌المللی است که اعضای سازمان آن‌ها را پذیرفته‌اند. بررسی محتوایی اسناد مزبور، بویژه با رجوع به منشور سازمان همکاری شانگهای، ۲۰۰۲ (مقدمه و مواد ۴-۵) حاکی از آن است که چین و روسیه نقش محوری در شکل‌دهی به چارچوب حقوقی و امنیتی سازمان دارند. با این حال، برای سنجش این مؤلفه به‌عنوان یک گزاره تفسیری، از جایگاه بنیان‌گذاری و وزن سیاسی-نهادی این دو قدرت بر اساس شواهد عملی هم می‌توان سخن گفت که محدودیت‌هایی بر حاکمیت ملی کشورهای کوچک‌تر ایجاد کرده است. به تعبیر دیگر، کشورهای دارای توانایی کمتر، اغلب مجبور به انطباق سیاست‌های خود با خط‌مشی‌های تعیین‌شده از سوی قدرت‌های هژمونیک هستند. بنابراین، بازیگران قدرتمند، معیارها و هنجارهای امنیتی را در سطح منطقه‌ای تعریف می‌کنند. بر این اساس، سازوکارهای ضدتروریستی سازمان همکاری شانگهای، علاوه بر انعکاس توافقات بین‌المللی، دربرگیرنده منافع و نفوذ راهبردی این دو کشور هستند (Ali, Ali & Ullah, 2019: 26). این سازوکارها ضمن مقابله با تهدیدات تروریستی، مشروعیت حضور چین و روسیه در نظم منطقه‌ای را تقویت می‌کنند. از اینرو، سیاست خارجی این دو کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به فعالیت‌های سازمان دارد. چین با تمرکز بر پیشگیری از تروریسم و مقابله با افراط‌گرایی، به‌ویژه در آسیای مرکزی و منطقه سین‌کیانگ، مکانیزم‌های قانونی و عملیاتی برای حفظ ثبات مرزی ایجاد کرده است (Li, 2019: 341). روسیه نیز با تأکید بر امنیت جمعی و مقابله با تهدیدات شبه‌نظامیان، نفوذ خود در همسایگی آسیای مرکزی را تقویت می‌کند (Boussenane, 2024).

891). به همین دلیل، اقدامات ضد تروریستی سازمان هم اهداف امنیتی و هم اهداف ژئوپلیتیک این دو کشور را دنبال می کنند.

با این همه، یکی از چالش های اصلی این همکاری ها، ایجاد توازن میان امنیت جمعی و حاکمیت ملی اعضای کوچک تر است. این کشورها از مزایای تبادل اطلاعات و هماهنگی های امنیتی بهره مند می شوند، اما گاهی ناچار به اولویت دهی منافع امنیتی قدرت های بزرگ بر منافع ملی خود هستند. بنابراین، همکاری های ضد تروریستی سازمان همکاری شانگهای پدیده ای چندبعدی است که هم امنیت جمعی را تضمین می کند و هم وسیله ای برای نفوذ ژئوپلیتیک قدرت های بزرگ محسوب می شود و در نهایت نظم منطقه ای مبتنی بر ثبات هژمونیک را تحت تأثیر مستقیم چین و روسیه شکل می دهد.

#### ۴-۶. چندبعدی نگری امنیت

طی سال های اخیر، تحلیل های امنیتی در سطح منطقه ای نشان داده است که تمرکز صرف بر ظرفیت های نظامی، رویکردی محدود و ناکافی است و نمی تواند پیچیدگی تهدیدات معاصر بویژه تروریسم را به طور کامل پوشش دهد. نظریه امنیت چندبعدی بوزان چارچوبی جامع برای تحلیل امنیت ارائه می دهد که فراتر از بعد نظامی، ابعاد سیاسی، اقتصادی و انسانی-اجتماعی را نیز در بر می گیرد (Abdollah-Khani, 2011: 125-128). بر این اساس، امنیت تنها محدود به بعد نظامی نیست؛ بلکه پایداری اقتصادی، ثبات سیاسی، حفاظت از محیط زیست و تضمین حقوق و رفاه انسانی نیز جزء عناصر مهم آن محسوب می شوند. این رویکرد در سازمان همکاری شانگهای جایگاه ویژه ای دارد و بر این پایه به دنبال مدیریت جامع تهدیدات منطقه ای از طریق راهبردهای ترکیبی است. در این چارچوب ماده ۳ منشور سازمان، همکاری را از حوزه امنیتی به حوزه های اقتصادی، محیط زیستی، علمی، آموزشی و فرهنگی گسترش می دهد و ماده ۱ نیز بر همکاری در سیاست، تجارت و اقتصاد، دفاع، محیط زیست، فرهنگ، علم و فناوری، آموزش، انرژی و حمل و نقل تأکید دارد. افزون بر این، دیپاچه کنوانسیون ۲۰۰۹ مقابله با تروریسم را مبتنی بر حاکمیت قانون، حقوق و آزادی های بنیادین و موازین حقوق بین الملل می داند. بنابراین، چندبعدی بودن امنیت در اسناد رسمی قابل مشاهده است.

هرچند بُعد نظامی همچنان نقش حیاتی دارد و مقابله با تهدیدات مستقیم نظامی و تروریستی

را شامل می‌شود، اما تمرکز اصلی بر ادغام آن با مولفه‌های غیرنظامی است. زیرا اقدامات صرفاً نظامی ممکن است اثرات کوتاه‌مدت ایجاد کنند و ریشه‌های ساختاری تهدیدات را نادیده بگیرند. در این راستا، سازمان همکاری شانگهای با رویکرد چندبعدی، فعالیت‌های خود در حوزه‌های اقتصادی، محیط‌زیستی و انسانی را تقویت می‌کند تا پیشگیری از افراط‌گرایی و تروریسم به شکلی پایدار تحقق یابد. بدین ترتیب، مقابله با تهدیدات پیچیده مستلزم تلفیق توان نظامی با راهبردهای غیرنظامی است (Ratushnyak & Sokol, 2019). بعد اقتصادی امنیت بر توانایی کشورها در تأمین منابع و حفظ پایداری اقتصادی تمرکز دارد. این همکاری‌ها در سازمان همکاری شانگهای با تقویت تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها شکاف‌های اقتصادی را کاهش داده و زمینه‌های تروریسم را محدود می‌کند. افزایش ثبات اقتصادی موجب تقویت انسجام سیاسی و اعتماد میان اعضا شده و امنیت اقتصادی را به ابزاری برای کاهش افراط‌گرایی بدل می‌سازد. در بعد سیاسی، امنیت به ثبات نهادها، مشروعیت دولت‌ها و انسجام منطقه‌ای وابسته است. سازمان همکاری شانگهای با ایجاد چارچوبی مستقل و چندقطبی می‌کوشد با توسعه همکاری‌های غیرنظامی مانند طرح‌های اقتصادی و محیط‌زیستی، اعتماد سیاسی و تصمیم‌گیری مشترک را تقویت کرده و کارآمدی سیاست‌های ضدتروریستی را افزایش دهد. بُعد انسانی و اجتماعی با تمرکز بر رفاه، عدالت و حقوق شهروندان، امنیت را فراتر از حوزه نظامی برده و ثبات اجتماعی را ارتقا می‌دهد. مقابله با بحران‌های محیط‌زیستی نیز مانع تشدید محرک‌های افراط‌گرایی می‌شود.

#### ۴-۷. قواعد و هنجارهای حقوقی مشترک

ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۰۱، سه مفهوم تروریسم، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی را به‌طور عملیاتی تعریف می‌کند؛ ماده ۲ همان کنوانسیون، همکاری و استرداد را بر این مبنا مقرر می‌سازد و ماده ۱۰ ایجاد سازوکار ساختار منطقه‌ای ضد تروریستی را برای مبارزه مؤثر با اعمال موضوع ماده ۱ پیش‌بینی می‌کند. در سطح بعدی، کنوانسیون ۲۰۰۹ نیز در ماده ۱۲ تبادل اطلاعات میان مراجع صلاحیت‌دار را برای پیشگیری و مبارزه با تروریسم تصریح می‌کند. این زنجیره، از تعریف مشترک تهدید تا تعهدات همکاری و سازوکار نهادی، مصداق روشنی از قاعده‌گذاری مشترک درون سازمان است.

تمرکز بر ایجاد چارچوب‌ها و هنجارهای مشترک میان اعضا زمینه همکاری‌های عملی را

در مواجهه با تهدیدات داخلی و فرمانطقه‌ای فراهم می‌آورد. اصولاً، تدوین معاهدات و اسناد الزام‌آور نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت همکاری‌های امنیتی دارد. این اسناد چارچوب قانونی مشخصی برای مقابله با تهدیدات ناشی از تروریسم فراهم می‌کنند و مسئولیت‌ها و تعهدات اعضا را تعریف می‌نمایند و از این رهگذر منجر به افزایش هماهنگی و پاسخگویی و کاهش اختلافات احتمالی می‌شود. به این ترتیب، ایجاد یک نظام حقوقی هماهنگ، پیش‌شرط اجرای مؤثر اقدامات عملی و پیشگیری از تنش‌ها میان کشورهاست. با این حال، تفاوت در تعریف مفاهیم اساسی امنیتی مانند «تروریسم»، «افراط‌گرایی» و «قاچاق مواد مخدر» از چالش‌های اصلی حقوقی است و می‌تواند اجرای قوانین و برنامه‌های مشترک را دشوار سازد. بنابراین، گفت‌وگو و تبادل نظر مستمر برای دستیابی به تعاریف مشترک و هماهنگی در شناخت تهدیدات ضروری است. این رویکرد در سازمان همکاری‌های شانگهای بر پایه توسعه حقوق عرفی و توافق‌های منطقه‌ای استوار است که از طریق تعامل مداوم میان اعضا شکل می‌گیرد و امکان تدوین استانداردهای مشترک برای مقابله با تهدیدهایی همچون تروریسم و افراط‌گرایی را فراهم می‌آورد. تعامل مستمر میان اعضا، ایجاد رویه‌ها و قواعد رفتاری مشترک را ممکن می‌سازد و به مرور در سطح منطقه‌ای به رسمیت شناخته شده و ثبات قانونی اقدامات امنیتی را تقویت می‌کند (Lescrauwaet, 2022: 216).

## ۵. نتیجه

با وجود اینکه طی دو دهه گذشته خط مشی‌های سازمان همکاری شانگهای دستخوش تحولات و تغییرات چشمگیری شده است، اما مبارزه با تروریسم همچنان در رأس اولویت‌های آن باقی مانده است. یکی از مؤلفه‌های کلیدی در رویکرد ضدتروریستی سازمان همکاری شانگهای، مفهوم‌سازی تروریسم است. این سازمان نه تنها تروریسم را به عنوان تهدیدی برای امنیت بین‌المللی تلقی می‌کند، بلکه آن را به‌طور خاص در کنار مفاهیمی چون افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی مورد توجه قرار می‌دهد. در این راستا، سازمان همکاری شانگهای به‌طور مستمر سعی دارد این مفاهیم را به‌طور متوازن و دقیق تعریف کرده و سیاست‌های مشترک میان اعضا برای مبارزه با این تهدیدات ترسیم کند.

راهبرد ضدتروریستی سازمان همکاری شانگهای نمونه‌ای شاخص از ادغام سیاست، حقوق و امنیت جمعی در فضای اوراسیا است که فراتر از اقدامات تاکتیکی، به ابزاری راهبردی برای

تثبیت نظم منطقه‌ای و شکل‌دهی هویت امنیتی مشترک تبدیل شده است. اعضای سازمان با ایجاد نگرش و فهم مشترک نسبت به تهدیدهای تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی، امنیت ملی خود را به شکلی متقابل پیوند داده‌اند، به گونه‌ای که هر تهدید علیه یک عضو، تهدیدی فراگیر برای کل منطقه محسوب می‌شود. این همگرایی ادراکی موجب تقویت اعتماد متقابل میان اعضا و بازتعریف بازیگران تهدیدزا به عنوان «عوامل محل امنیت» شده و سازمان همکاری شانگهای را به بستری برای مدیریت روابط ژئوپلیتیکی و بازتیین مرزهای دوستی و دشمنی در منطقه مبدل می‌کند.

از نظر حقوقی، ایجاد چارچوب‌های قانونی و نهادی، از جمله تصویب کنوانسیون‌ها و توافقنامه‌های منطقه‌ای و راه‌اندازی ساختاری نظیر «ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم»، امکان هماهنگی عملی میان اعضا را فراهم ساخته است. این نهادها وظایفی از جمله تبادل اطلاعات، تهیه فهرست گروه‌های تروریستی، هماهنگی قضایی و برگزاری رزمایش‌های مشترک دارند. سازوکارهای حقوقی و نهادی نه تنها مشروعیت بخش اقدامات جمعی هستند، بلکه احترام به حاکمیت ملی اعضا را تضمین کرده و اعتماد متقابل را تقویت می‌کنند. همسویی قوانین داخلی با توافقات منطقه‌ای امکان اجرای هماهنگ اقدامات ضدتروریستی را بدون خدشه به استقلال کشورها فراهم می‌آورد.

ابعاد ژئوپلیتیکی نیز در شکل‌دهی راهبرد سازمان همکاری شانگهای تعیین‌کننده‌اند. کاهش حضور آمریکا و ناتو در آسیای مرکزی زمینه طراحی معماری امنیتی مستقل منطقه‌ای را فراهم کرده است. چین و روسیه به عنوان محورهای اصلی سازمان عمل می‌کنند و گسترش عضویت به کشورهایی مانند هند، پاکستان و ایران، دامنه امنیت جمعی را توسعه داده است. این چارچوب هم مشروعیت اقدامات هماهنگ را افزایش می‌دهد و هم نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای را محدود می‌کند و همزمان امنیت عملی و ثبات سیاسی را تقویت می‌کند.

ویژگی برجسته راهبرد سازمان همکاری شانگهای، امنیت جمعی مبتنی بر وابستگی متقابل است؛ در این رویکرد، تهدید علیه یک کشور، امنیت سایر اعضا را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. هماهنگی اقدامات علیه تروریسم و افراط‌گرایی، امکان مدیریت تهدیدات فرامرزی را بدون تکیه صرف بر توان نظامی یک کشور فراهم می‌آورد و انسجام میان اعضا و شکل‌گیری هویت امنیتی مشترک را تقویت می‌کند. راهبرد سازمان همکاری شانگهای بر تلفیق اقدامات نظامی

و غیرنظامی تأکید دارد؛ امنیت پایدار تنها با توان نظامی تأمین نمی‌شود و مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی نیز اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارند. همکاری اقتصادی و پروژه‌های توسعه انسانی به کاهش محرک‌های افراط‌گرایی و تقویت اعتماد میان اعضا کمک می‌کند و زمینه امنیت منطقه‌ای جامع، مشروع و پایدار را فراهم می‌آورد. در مجموع، رویکرد سازمان نتیجه تعامل سه عامل اصلی است: شکل‌گیری درک و هویت امنیتی مشترک، نهادسازی حقوقی و ایجاد چارچوب‌های هماهنگ، و بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و مدیریت قدرت‌های منطقه‌ای. این سه محور امکان اجرای هماهنگ اقدامات عملی، تقویت امنیت جمعی و تثبیت نظم منطقه‌ای را فراهم ساخته و بر پایه مفروضات نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای سازمان را به نمونه‌ای موفق از همکاری امنیت جمعی در سطح منطقه‌ای تبدیل می‌کند.

با وجود موفقیت‌ها، چالش‌هایی نیز در فراروی عملکرد سازمان همکاری شانگهای وجود دارد. در این میان، تعریف گسترده و گاه مبهم مفاهیمی مانند افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی ممکن است محدودیت‌هایی برای آزادی‌های مدنی ایجاد کند؛ همچنین فقدان سازوکارهای نظارتی مستقل و تأثیر قدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه، تعادل میان امنیت جمعی و حاکمیت ملی را پیچیده می‌سازد. پیشبرد استراتژی سازمان همکاری شانگهای مستلزم مدیریت این تعارض‌ها و رعایت استانداردهای حقوق بشری است.

### تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

## References

- Abdollah-Khani, A. (2011). Security theories. Tehran: Tehran Institute for Contemporary Abrar Studies and Research. [In Persian].
- Aghaei, D. (2023). The role and position of the Shanghai Cooperation Organization. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian].
- Aghaei, S. D. and Ghahramani, M. J. (2019). "China's Orientation toward the Shanghai Cooperation Organization in the Light of its New Foreign Policy (from 2013 to 2018)". *Central Eurasia Studies*, 12(2), 291-307. doi: 10.22059/jcep.2019.259040.449774 [In Persian].
- Ali, R., Ali, I., & Ullah, S. (2019). "SCO as a passage to regional security". *Liberal Arts and Social Sciences International Journal (LASSIJ)*, 3(1), 19-29.
- Amable, D. S. (2022). "Theorizing the emergence of security regions: An adaptation for the Regional Security Complex Theory". *Global Studies Quarterly*, 2(4), 1-10.
- Aris, S. (2009a). "The Shanghai Cooperation Organization: 'Tackling the three evils': A regional response to non-traditional security challenges or an anti-Western bloc?" *Europe-Asia Studies*, 61(3), 457-482.
- Aris, S. (2009b). *Eurasian Regionalism: The Shanghai Cooperation Organization*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Ateed, I. H., & Ullah, H. (2025). "The Taliban and the Shanghai Cooperation Organization: Security engagement and its political and economic implications". *Journal of Media Horizons*, 6(4), 895-903.
- Badii, M., Sharifi, M., & Mirahmadi, F. (2014). "The impacts of political globalization on the Shanghai Cooperation Organization". *Applied Research in Geographical Sciences*, 14(32), 205-229. <https://system.khu.ac.ir/jgs/article-1-1838-fa.pdf> [In Persian].
- Boussenane, S. (2024). "The Russian Eurasian doctrine and its geostrategic dy-

- namics towards Central Asia". *Legal and Political Research*, 9(1), 882–904.
- Butt, M. F., Hashmi, M. A. I., & Saleem, H. A. R. (2024). "The legal framework of the SCO: Between intergovernmental cooperation and supranational ambiguity". *Social Science Review Archives*, 2(2), 2465–2478.
- Buzan, B., & Wæver, O. (2022). *Regions and powers: The structure of international security* (R. Ghahremanpour, Trans.; 3rd ed.). Tehran: Institute for Strategic Studies. [Persian translation].
- Dorj, H. (2025). "China's Strategic Policy to Expand its Sphere of Influence in Central Asia". *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(3), 202–234. <https://doi.org/10.22034/fasiw.2025.481429.1389> [In Persian].
- Ghafeleh-Bashi, S. M. (2019). "Competition and divergence in the Shanghai Cooperation Organization: With emphasis on China–Russia and India–Pakistan disputes". *Central Asia and the Caucasus Studies*, 25(105), 101–132. [https://ca.ipisjournals.ir/article\\_36192.html](https://ca.ipisjournals.ir/article_36192.html) [In Persian].
- Jones, L., & Hameiri, S. (2015). "Security and governance: Existing approaches." In *Governing borderless threats: Non-traditional security and the politics of state transformation* (pp. 15–50). Cambridge University Press.
- Karami, J. (2023). "The strategic role of Iran for the SCO: Strengthening Eurasian integration". *Vestnik RUDN. International Relations*, 23(3), 547–561.
- Karami, J. (2024). »Triangle cooperation of Iran, Russia and China and Eurasian security.« *Journal of Iran and Central Eurasia Studies*, 7(1), 45–57.
- Karami, J. and Azizi, H. (2013). "China's Security Relations with Central Asia: From Security Ties to "Regional Security Complexes". *Central Eurasia Studies*, 6(12), 135–154. doi: 10.22059/jcep.2013.35156 [In Persian].
- Kaya, R. (2019). "The Central Asian 'Regional Security Complex and the Shanghai Cooperation Organization". *International Journal of Political Science and Urban Studies*, 7, 53–71. <https://doi.org/10.14782/ipsus.594452> (in Turkish)

- Koolaei, E. (2006). "The Shanghai Cooperation Organization and the security of Central Asia". *Research in Political Theory*, 3(2), 29–46. <https://political.ihss.ac.ir/fa/Article/11765> [In Persian].
- Lescrauwaet, L. (2022). "Adaptive legal frameworks and economic dynamics in emerging technologies: Navigating the intersection for responsible innovation." *Law and Economics*, 16(3), 202–220.
- Li, E. (2019). "Fighting the "Three Evils": A structural analysis of counter-terrorism legal architecture in China" *Emory International Law Review*, 33(2), 311–365.
- MacHaffie, J. (2026). "Shanghai Co-Operation Organisation: A Concert of Eurasia?" *Asia & the Pacific Policy Studies*, 13(1), e70069. <https://doi.org/10.1002/app5.70069> (Wiley Online Library)
- Mako, S., & Moghadam, V. M. (2021). "International connections and intervention". In *After the Arab Uprisings: Progress and stagnation in the Middle East and North Africa* (pp. 182–215). Cambridge University Press.
- Mei, S. (2024). "Anti-Terrorism Cooperation of the Shanghai Cooperation Organization". *Studies in Social Science & Humanities*, 3(10), 39–43. <https://doi.org/10.56397/SSSH.2024.10.06> (paradigmpress.org)
- Mumtaz, T., Cheema, A. T., & Khalid, J. (2025). "Emerging role of the Shanghai Cooperation Organization and its impacts on geopolitics." *Qlantic Journal of Social Sciences and Humanities*, 6(3), 160–169.
- Ratushnyak, O., & Sokol, V. (2019). "Shanghai Cooperation Organization: The Evolution of Counter-Terrorism at a Regional Level". *European Proceedings of Social and Behavioural Sciences*, 76, 2649–2656. <https://www.europeanproceedings.com/article/10.15405/epsbs.2019.12.04.356>.
- Safavi, S. Y. & Jafari Noor, M. M. (2022). "Permanent membership of the Islamic Republic of Iran in the Shanghai Cooperation Organization and its geopolitical, military, political and economic consequences on the balance of power

- with the United States of America". The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, 3(10), 55-81 [In Persian].
- Shafiee, N. and Komaei Zadeh, Y. (2011). "Clarification of China and the United States Ties against the Shanghai Cooperation Organization (SCO); On the Basis of Balance of Soft Power Theory". Central Eurasia Studies, 4(7), 51-75. [In Persian].
- Shanghai Cooperation Organization. (2001). "The Shanghai Convention on Combating Terrorism, Separatism and Extremism". Official SCO Documents.
- Shanghai Cooperation Organization. (2002). "Agreement on Regional Anti-Terrorist Structure between the Member States of the Shanghai Cooperation Organization". Official SCO Documents.
- Shanghai Cooperation Organization. (2002). "Charter of the Shanghai Cooperation Organization". Official SCO Documents.
- Shanghai Cooperation Organization. (2009). "Convention of the Shanghai Cooperation Organization against Terrorism". Official SCO Documents.
- Tsybulenko, E., & Platonova, A. (2022). "Legal instruments of the Shanghai Cooperation Organisation: A case of missed opportunities?" Central Asian Yearbook of International Law and International Relations, 1(1), 244-257.
- Wallace, T. (2014). "China and the Regional Counter-Terrorism Structure: An Organizational Analysis". Asian Security, 10(3), 199-220. <https://doi.org/10.1080/14799855.2014.976614> (Taylor & Francis Online)
- Ward, D. (2015). "The Shanghai Cooperation Organization's bid to transform international law." BYU International Law & Management Review, 11(3), 162-185.
- Weitz, R. (2011). "The Shanghai Cooperation Organization: Future Prospects". In E. Kavalski (Ed.), The New Central Asia: The Regional Impact of International Actors (pp. 195-212). World Scientific Publishing.

- Xhiaodong, Z. (2012), "The Shanghai Cooperation Organization and Counter-Terrorism Cooperation," Institute for Security and Development Policy, August, 14-26. Available at: [https://isdip.eu/wp-content/uploads/publications/2012\\_zhao\\_the-shanghai-cooperation-organisation.pdf](https://isdip.eu/wp-content/uploads/publications/2012_zhao_the-shanghai-cooperation-organisation.pdf) (accessed on: 18/12/2024).
- Yandaş, O. G. (2005). Emerging Regional Security Complex in Central Asia: Shanghai Cooperation Organization (SCO) and Challenges of the Post 9/11 World. Master's thesis, Middle East Technical University. ([open.metu.edu.tr](http://open.metu.edu.tr)).
- Yuan, J. (2023). "Forging a new security order in Eurasia: China, the SCO, and the impacts on regional governance." *Chinese Political Science Review*, 8(3), 422–439.
- Zhao, J., X. Wang & J. Zhan, J. (2024). "Is international Cooperation Effective in Combating Terrorism? Evidence from the Shanghai Cooperation Organization". *Applied Economics*, 56(47), 5575–5590. <https://doi.org/10.1080/00036846.2024.2331030>.